

ساختن یک فیلم کوتاه

نویسنده: روبرتو مولیترنی / ترجمه: صنم نادری

www.ketab.ir

ساختن یک فیلم کوتاه

سرشناسه: مولیترنی، روبرتو، ۱۹۸۴ - م.
Moliterni, Roberto

عنوان و نام پدیدآور: ساختن یک فیلم کوتاه

به قلم روبرتو مولیترنی، ترجمه صنم نادری
مشخصات نشر: تهران، کتاب آبان، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: ۱۵۲ ص

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۳۴۳-۸۶-۹

وضعیت فهرست نویسی: فیا

پادداشت: عنوان اصلی:

Fare un corto (soverevo l'arte di arrangiarsi nello scrivere, trovare i soldi, produrre e girare

موضوع: فیلم‌های کوتاه -- تولید و کارگردانی

موضوع: Short films -- Production and direction

شناسه افزوده: نادری، صنم، ۱۳۶۴ -- مترجم

رده بندی کنگره: ۱۳۹۶/PN۱۹۹۵/م ۸/ت ۹/ ۹

رده بندی دیویی: ۷۹۱/۴۳۰۲۲

شماره کتابشناسی ملی: ۴۸۸۲۴۶۰

اثر: روبرتو مولیترنی

مترجم: صنم نادری

ناشر: کتاب آبان

ویراسته: زمانی، فرسائی

محل چاپ: شادار، ارشدی

لینتوتوری: انجام هنر

چاپ و وضعی: نقش و نگار

نوبت چاپ: اول ۱۲

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹-۸۶-۷۳۴۳-۶۰۰-۹۷۸

قیمت: ۱۲۰۰۰۰ ریال



انتشارات کتاب آبان

تهران: خیابان انقلاب، خیابان فخر رازی، کوئی قاضی داریان، پلاک ۲، طبقه همکف، واحد ۱۰، شماره تماس: ۰۲۱-۶۶۴۳۱۱۱۱، رگزار: ۰۲۱-۶۶۴۳۱۱۱۱

پست الکترونیک: info@abanbook.net، وب سایت: www.abanbook.net



فهرست

پیشگفتار..... ۷

• بدترین یار

بخش اول

• فصل اول..... ۱۱

نوشتن

• فصل دوم..... ۴۵

کتاب‌هزینه

• فصل سوم..... ۶۳

اماده‌سازی

بخش دوم

• فصل چهارم..... ۹۷

صحنه فیلم برداری (س)

• بخش سوم..... ۱۱۰

• فصل پنجم

مونتاژ

• فصل ششم..... ۱۳۱

بخش

پایان

• بهترین یار..... ۱۴۹

اغلب اوقات بی‌نظمی را با نبوغ و مسائل سطحی را با تصمیمات آنی اشتباه می‌گیریم. اگر تکنیک‌ها و محتویات، کنترل کار را به دست گیرند، باعث می‌شوند تا آن‌چه که درباره‌شان شناخت مناسبی نداریم، بیشتر هویدا شوند.

هنر نوشتن اس چینی

بدترین یار کسی که می‌خواهد فیلم کوتاه بسازد، کمبود بودجه، فقدان تجهیزات لازم یا حتی نبوده ریشه‌های حرفه‌ای نیست. با کمک مطالب این اثر فرا خواهیم گرفت چگونه این کمبودها را جبران کنیم. در یک کلام: بدترین یار کسی که می‌خواهد فیلم کوتاه بسازد، کسی نیست جز خودش.

اگر قصد خواندن این مقالات را داریم لیلش این است که از یک نقطه به بعد در زندگی عاشق سینما شده‌ایم و به سطره شوق یک یا چند فیلمی که از پیش دیده‌ایم، حال قصد داریم تا حاصل درخت را به زیبایی تمام و مملو از هیجانات خاص سینمایی بسازیم و ببینیم. البته در این ادکودک‌تره درست همین‌جاست که نخستین سؤ تفاهم ایجاد می‌شود.

ساختن یک فیلم کوتاه شبیه ساخت یک فیلم بلند نیست. اگر نه ال یک درخت بن‌سای داشتید، منظورم را خوب متوجه می‌شوید. گرچه بن‌سای به درخت واقعی شبیه است (برای نمونه درخت انار، سیب یا هر درخت دیگری) اما روش بکارگیری از آنها با باقی درختان متفاوت است. ملاک برای ساخت یک فیلم کوتاه، فقط میزان به‌زمان‌بندی ساخت فیلم یا کمبود تجهیزات لازم برای تولید آن نمی‌شود بلکه از همان ابتدا، باید مدلی متفاوت و مناسب برای روایت کردن داستان فیلم تعریف کرد. باید در نظر داشت: فیلم‌های کوتاه از قوانین خاص خودشان و نیازهای متفاوتی نسبت به فیلم‌های بلند برخوردارند. شاید بهتر باشد بگوییم: بن‌سای‌ها، درخت

نیستند؛ درست همانند فیلم‌های کوتاه که فیلم نیستند.

دومین سوءتفاهم از جایی نشأت می‌گیرد که شخص سازنده فیلم - این اتفاق کم‌وبیش همیشه رخ می‌دهد - در سرش کنار واژه «کوتاه» به طور آگاهانه یا ناآگاهانه، عبارت «مؤلف» را تصور می‌کند. دلیلش شاید از آنجا می‌آید که ما، نه به خاطر فیلم‌های تجاری، بلکه به خاطر فیلم‌های «فلینی» عاشق سینما شدیم. اما متأسفانه فیلم‌های کوتاه ناموفق، که توسط آماتورها ساخته شده‌اند درست از این جندی فیلم‌های به اصطلاح مؤلف بودند.

از لابه‌لای این قبیل شکست‌هایی می‌توان نکاتی را شناسایی کرد که از اهمیت بیشتری برخوردارند: مورد اول به خوبی می‌تواند جاه‌طلبی افراد و عدم هماهنگی با دیگر عوامل کار باشد (این مورد هیچ ارتباطی به پیش‌زمینه‌های تکنیکی افراد ندارد، بلکه بیشتر یک مورد فرهنگی است). هیچ چیزی غم‌انگیزتر از کم‌دینی نیست که نمی‌تواند تمام چیزی را بچنداند. این عامل در مورد فیلم‌های کوتاهی که بی‌دلیل پرمدعانی هستند، به خوبی صدق است.

پرسش: می‌دانید اگر نرسم تله، ای که در مسیر یک نویسنده وجود دارند، شناسایی کنیم بعدها چه لطمه‌ای به کار وارد خواهد شد؟ عدم همکاری با تک‌تک عوامل کار از مهم‌ترین این لطمات محسوب می‌شود. این اشتباه گاه به دلیل الزامات کار و گاه به خاطر غرور نویسنده - نه به اشتباهات قصد دارد تا تمامی ابعاد و مسئولیت‌های کار را با هدف کنترل بیشتر به عهد دهد - که امری اشتباه است - پیش می‌آید.

ساختار اساطیری سینما، ما را عادت داده تا یک «نویسنده» را در کنار «ببینیم: one man band». پرسش بعدی: اگر فلینی (از این اسطوره به عنوان نمونه استفاده می‌کنم) با خود گروه نویسندگان را نداشت، می‌توانست فلینی شود؟ پائولو سرنتینی بدون مدیر فیلم‌برداری‌اش (لوکا بیگانزی) چگونه؟ درباره فرانسویس فور کاپولا بدون تدوینگرش (والتر مارچ) چه نظری دارید؟

از طرفی دیگر، پرهیجان‌ترین و زیباترین مرحله کار، درست همان زمان فیلم‌برداری است؛ شاید بهتر باشد بگوییم درست زمانی که تمام عوامل، شانه به شانه و کنار یکدیگر کار می‌کنند. واقعیت‌ها فقط به واسطه همکاری بین انسان‌ها

شکل می‌گیرند: به واسطه همکاری گروهی که همگی برای برآورده شدن هدفی مشترک، کنار هم و با یکدیگر حرکت می‌کنند. درست در همین حین است که می‌توان دوستان و هم‌زمان واقعی را پیدا کرد: به واسطه تجربه‌ای که فراتر از یک جریان هنری و حرفه‌ای است.

اشتباه سوم از جایی می‌آید که سازنده کار، خود را با استعدادترین انسان روی زمین می‌پندارد؛ شاید از این جهت باشد که فیلم‌های کوتاه، یک اثر هنری محسوب می‌شوند. به طور حتم افرادی که از توانایی‌های بالای شخصیتی، فرهنگی و تکنیکی برخوردارند، وجود دارند و این توانایی‌ها، به آنها در کار سینما کمک فراوانی خواهد کرد، اما اینها به تنهایی کافی نیست؛ سینما درست مانند هنرهای دیگر، قوانین و توانایی‌های خاص خود را طلب می‌کند و آدم‌هایش را نیز باید از جایگاه ویژه خود بیرون بیاورند؛ درست مانند موسیقی‌دان‌های یک کنسرتور یا نقاشان و مجسمه‌سازان یک گالری هنری یا حتی «خودآموخته‌ها». واژه «خودآموخته»، به ما می‌فهماند چه آلهه‌ها و مسیر آکادمیک را برای آموختن این جریان طی نکرده‌اند نیز باید قوانین لازم برای سینما را بداند؛ بداهه، گرچه می‌تواند با خوش‌شانسی توأم باشد و حاد و مطلوب تولید کند، اما باید در نظر داشت که این فقط یک اتفاق تصادفی است.

برای این که بتوانیم هیجانات سینمایی درستی تولید کنیم، باید آنها را بر پایه‌های قوانینی بنا کنیم که پیش‌تر، دیگران (بیشتر اوقات قبل از ما) آنها را شناسایی کرده‌اند؛ آنهایی که نه تنها توانسته‌اند به اعماق موضوعاتی که در ادبیات، شان، اداسند رسوخ کنند، بلکه به اعماق زوایای انسانی نیز رسیده‌اند. در نقاشی، کشف نه‌تنها طلایی در حقیقت یک کشف علمی در آناتومی بدن انسان به حساب می‌آید حتی با نیز طبق این قانون کنار یکدیگر قرار گرفته‌ایم؛ یا سه پرده شاعرانه ارسطو به واسطه موسیقی از هم جدا شده‌اند، درست ساختار فرم‌های صوتی را می‌سازند؛ یا همین طور فلسفه (منطق هگل). بیش از دو هزار سال است که از فن شعر به عنوان مدلی مناسب برای مقایسه کردن، به ویژه برای آن دسته که قصد دارند داستان پردازی کنند، استفاده می‌شود. حال می‌توانیم اینها را بپذیریم یا انکار کنیم.

خطری که این سه سؤ تفاهم (با باقی آنها بعدتر آشنا می‌شویم) می‌توانند در کار ایجاد

کنند، تنها به کسب نتیجه‌ای نامطلوب متجرب نمی‌شود، بلکه به اصل «مفید» بودن فیلم‌های کوتاه نیز خیانت می‌کنند و می‌توانند در کارنامه یک سینماگر نیز تأثیر نامطلوبی بگذارند.

فیلم کوتاه می‌تواند کلاس درس مناسب یا بلیت ورود به سینمای یک سینماگر باشد؛ البته از جنس «حقیقی». فیلم کوتاه اجازه می‌دهد تا به چروک‌های ریز حقیقت نزدیک شویم، گرچه مجه‌ز به وسایل نقلیه مناسب (که بیشتر در شهرهای بزرگ، مانند رم یا میلان یافت می‌شوند) نباشیم.

این فیلم‌های کوتاه بودند که به ما کمک کردند تا بتوانیم شرایط قشر خاصی از ایسلند - ها (که در بین مبارزان راه آزادی هستند) را درک کنیم. به واسطه همین فیلم‌های کوتاه بود که توانستیم به دیدن یک روستای دورافتاده در «کالبریا» در ایتالیا برویم. استاده از همین هنر بود که توانستیم درد یک زایمان و سقط جنین در آمریکا را حس کنیم و به اقرارهای یک متجاوز به زنی گوش فرا دهیم و هم چنین به معضلات اخلاقی یک دربان هتل در «توسکانی» پی ببریم. اگر فیلم‌های بلند، خواه به خاطر منابع و خواه به خاطر اعتبارشان در سینما مرکزیت دارند (اگرچه فیلم‌های بلند، پیچیدگی خاص خودشان را دارند و بیشتر مواقع نمی‌توانند به بسط و گسترش برخی - قایق پردازند و به همین دلیل، برای جهان بعضی داستان‌ها را تعریف نمی‌کنند)، فیلم‌های کوتاه به حومه‌نشینانی می‌مانند که حق‌شان را به عنوان یک شهروند می‌طلبند؛ این شراب نه تنها نامطلوب است بلکه برای غنی ساختن تجارب مجازی حال حاضر روزگار مضر و مضروری است. در مقالات «ساختن یک فیلم کوتاه» یاد خواهیم گرفت که چطور برخی از شر برخی رفتارهای مضر، که مربوط به بعضی فیلم‌سازان است، دورنگه داریم و به این طراز لحاظ ساختارهای عملی (چه از لحاظ دایره‌وارگان و چه از لحاظ شناخت تجهیزات لازم برای ساخت یک فیلم کوتاه) نیز موارد عمده‌ای را فرا خواهیم گرفت.